

اصلاح قوانین

بدون تردید قوانین مختلفه که بدون رعایت تطبیق با یکدیگر و بدون توجه بقواعد حقوقی و بدون تعمق کافی و بدون در نظر داشتن اطراف و جوانب تهیه و تنظیم و بالاخره تصویب شود مشتمل بر نواقص بی شمار و همواره در معرض تغییر و تبدیل و اصلاح و تفسیر و تأویل خواهد بود و در اجراء عمل دچار اشکال و بالتیجه حالت هرائی از بین نرفته و روش مستقیمی بوجود نخواهد آمد. بدیهی است این نوع قوانین خطرات بزرگی را برای کشور در برداشته و بهیچوجه استقرار و ثباتی را نمیتوان انتظار داشت لذا ضرورت دارد باتوجه باینکه کشور ایران فقط تهران نیست بلکه جندق و شهر بابک هم از این کشور است برای تجدید نظر در کلیه قوانین و تطبیق با یکدیگر و رفع نواقص و روشن کردن ابهامات و وفق دادن با مصالح اجتماعی تمام کشور کمیسیونی از دانشمندان اهل فن مأمور گردد.

و چون قانون مدنی هم که پا یرجاترین قوانین جاریه است خالی از نقص نیست و بسیاری از موضوعات و فروع مورد احتیاج را فاقد است و از طرفی مجله کانون مهیای نشر تذکرات حقوقی و موضوعات قانونی است لذا نواقص قانون مدنی که در مدت خدمات قضائی برخورد شده و بنظر رسیده بمنظور توجه و اصلاح بیان میگردد.

مقدمه در اصطلاح مؤلفین

قانون مدنی بعنوان مقدمه در انتشار و آثار و اجراء قوانین بطور عموم موادیرا مقرر داشته .

و بحث در اطراف اینکه مواد مقدمه که از ماده ۱ شروع و بماده ۱۰ ختم میشود تاچه اندازه با عبارت و عناوین مذکوره فوق منطبق و چه موادی از آنها مدلولاً خارج از عناوین مذکوره است چندان مورد لزوم و احتیاج نیست.

ولی بایستی دانست اصولاً در اصطلاح مؤلفین مقدمه برای دو موضوع است.

۱ - بیان اموری که مؤثر در معرفت ذی المقدمه است مثل تعریف و بیان موضوع و نتیجه و فایده و بالاخره منظور از ذی المقدمه و شناسائی آن.

۱ - مثلاً ماده ۲۴۵ کافی نیست و مقتضی است برای جلوگیری از اختلافات آراء و فسخ و نقض احکام در خود قانون تصریح شده باشد آیا تمام ورثه بایستی اخذ بخیار نمایند یا با اخذ بخیار بعضی از ورثه هم فسخ میشود یا فقط نسبت بسهم فسخ کننده و در صورتیکه مورد معامله زمین مزروعی بوده که برای زوجه قابل ارث نیست آیا زوجه میتواند با اخذ بخیار معامله را فسخ کند که از ثمن آن که بازگشت مینماید بهره مند شود یا نه و.....

اصلاح قوانین

۲ - ذکر مصطلحات و بیان قواعد و کلیاتی که برای تسهیل در معرفت ذی‌المقدمه و احکام و فروع آن مؤثر و مفید است و موادیکه در تحت عنوان مقدمه در قانون مدنی ذکر شده هیچیک از دو موضوع فوق را شامل نبوده و عبارت دیگری خارج از حدود مصطلح مقدمه است و اقتضا داشت بلکه ضرورت دارد در تحت عنوان مقدمه اصول و قواعدی از علم حقوق ضمن موادی بیان شده باشد از قبیل قاعده تعارض مانع و مقتضی و قاعده عود ممنوع با زوال مانع و قاعده اولویت جلوگیری از مفسده بر جلب مصلحت و دفع و رفع ضرر بر جلب منفعت و قاعده عود منع بازوال عذر و قاعده تحمل ضرر خاص برای جلوگیری از ضرر عام و قاعده عدم جواز انتفاع غیر عادلانه^۱ و قاعده عدل و قاعده احترام و

چه دادرسی بر طبق نصوص قانون بدون استمداد از اصول و قواعد علم حقوق نسبت بفروعیکه پیش آمد میکند غیر ممکن است و اگر قواعد و اصولی در دست نباشد که راهنمای دادرسی و ملاک آراء باشد احکام قضائی بوضع فعلی در خواهد آمد. مثلاً در موردیکه دو اسکناس زید بایک اسکناس عمر در صندوق ودایع یا دو گونی شکر زید بایک گونی شکر عمر درخن کشتی یا مخزن گمرک مخلوط گردد و یک اسکناس یا یک گونی شکر بدون تعدی و تفریط تلف شود معلوم نباشد تلف شده از مال زید بوده یا عمر یا از شکر یمه شده زید بوده یا یمه نشده او برای رفع مشاجره و حل خصومت در چنین فرعی و نظائر آن با چنین نص قانونی نمیتوان تصمیمی اتخاذ نمود و در چنین فرعی و نظایر جز با اعمال قواعد و اصول مسلمه علم حقوق راه حلی وجود ندارد و بخلاصه بدون آشنا بودن بقواعد و اصول علم حقوق بر ماده ۳ آئین دادرسی نتیجه و ثمری جز سرگردانی و تحیر و انحراف از حق و عدالت مترتب نخواهد شد.

لذا ضرورت دارد مقدمه قانون مدنی مشتمل بر قواعد و اصولی باشد که کلید گشایش رموز و مشکلات فروع حق گردد تا از تعداد احکام و آراء شرم آور بی‌مبنا و فاقد منطق کاسته شود.^۲

عقاب بلایان و احکام وضعی

ماده ۱ قانون مدنی که مقرر داشته قوانین باید در ظرف سه روز از تاریخ توشیح بصرحه ملوکانه منتشر شود مشعر بسه مطلب است.

۱ - لزوم صرحه ملوکانه و ملزم بودن مقام سلطنت برای توشیح قوانین و اجراء آن از مقررات قانون اساسی است که از اصل ۱۵ و ۱۷ و ۲۳ قانون اساسی و اصل ۲۷ و ۲۹ متمم قانون

۱ - وقاعده (عدم جواز انتفاع غیر عادلانه) از بسیاری از موضوعات فقهی مستنبط است و قانون منع احتکار و تعدیل مال الاجاره‌ها و تثبیت نرخها مبتنی بهمین قاعده عقلی و شرعی است و امید است در محل خود حد اقتصادی آن بیان شود

۲ - مقایسه تعداد احکام نقض شده دیوان کشور وزن و قیمت آراء قضائی امروزه را معین میکند با اینکه در آراء دیوان کشور هم احکام غیر منطقی و آراء فاقد مبنای صحیح دیده میشود.

اصلاح قوانین

اساسی مستفاد است لذا ماده مزبور هم تکلیف پس از توشیح را مقرر داشته و نسبت باصل توشیح که طبق قانون اساسی بایستی بعمل آید احتیاج نداشته است.

۲ - لزوم انتشار قانون که مبنای علمی این قسمت همان قاعده قبح عقاب بلایان است که از آیه مبارکه مستنبط است و این قاعده در احکام تکلیفیه صحیح و بجا و عمومیت دارد چه حقاً مسئول دانستن شخصی قبل از ایجاد تکلیف و استحضار از آن عقلاً بجا و قبیح است و در احکام وضعیه نمیتوان برای عمومیت قاعده ملاک و مبنای صحیح و قانع کننده اعم از عقل و نقل بدست داد. چه احکام وضعیه در واقع ارشاد به نتایج و بیان ثمرات است نه ایجاد تکلیف و انشاء آثار و نتایج مثلاً امر قانون بخدمت زیر پرچم حکمی است تکلیفی و قبل از ایجاد این تکلیف و استحضار مشمول از قانون نمیتوان او را مسئول دانست. ولی ضمان اثر وضعی غصب و اتلاف است ولو نسبت باسر و حکم قانون برد مغضوب و جبران تلف حکم تکلیفی هم فرض شود. بنابراین نسبت باحکام تکلیفیه بایستی قبلاً بوسائل مقتضی باطلاع عموم برسد و بعداً منشأ اثر گردد و تاوسائلی از قبیل انتشار آن در روزنامه برای استحضار عموم فراهم نشده بایستی کسی را مسئول دانست ولی نسبت باحکام وضعیه بر فرض منتشر هم نشود و استحضاری از آن حاصل نگردد چون اثر وضعی ملازم و مترتب به اصل موضوع است منشأ اثر خواهد بود همانطور که اثر وضعی شراب مستی است اعم از آنکه شخص مطلع از اثر مزبور باشد یا نباشد اثر وضعی اتلاف هم ضمان است اعم از آنکه متلف مطلع بر حکم و اثر مزبور باشد یا نباشد لذا بر عمل فاقدین تکلیف از قبیل صغیر و مجنون هم مترتب میشود.

۳ - انتشار قانون ظرف سه روز از تاریخ توشیح که قید سه روز مفهوم مخالفی ندارد تاچنانچه پس از سه روز انتشار یابد فاقد اثر باشد و بعبارت دیگری انتشار ظرف سه روز شرط صحت یارکن قانونیت قانون نیست بلکه چنانچه از کلمه (باید) مستفاد است ایجاد تکلیف است برای انتشار ظرف سه روز که از سه روز تأخیر نشود.

و بخلاصه پس از تصویب مجلسین قانونیت قانون تمام است و اجرا و لازم العمل شدن آن نظیر شرط متأخر متوقف و موکول به توشیح و انتشار آنست. بدیهی است قانونیکه صرفاً جنبه اجازه داشته و ارتباطی با عموم ندارد نه ایجاد تکلیف میکند و نه رفع تکلیف و سلب حق از قبیل قانونیکه برای پرداخت حقوق کارمندان یا استخدام متخصص خارجی و امثال آنها تصویب میشود اصلاً اجزاء آن توقیف بر انتشار در روزنامه ندارد و بلافاصله اجرا پذیر است.

اجراء قانون در نقاط مختلف کشور

مقتضی حسن ترتیب و سلامت تنظیم این بود که ماده دوم قانون مدنی که

۱ - بحث در اطراف لزوم توشیح ملوکانه و فلسفه آن در رژیم مشروطیت که آیا ازجبهه آنست که مقام سلطنت رئیس قوه مجریه مملکت است و با توشیح که بمنزله ابلاغ است استحضار مقام سلطنت از قانون و تقبل اجراء آن بعمل خواهد آمد یا توشیح فقط جنبه تراکمی داشته و برای رعایت تشریفاتی مقرر گردیده بایستی در شرح مواد مربوطه قانون بعمل آید

اصلاح قوانین

مقرر داشته (قوانین در تهران ده روز پس از انتشار و در ولایات بعد از انقضای مدت مزبور باضافه یکروز برای هرشش فرسخ مسافت تا تهران لازم الاجراست مگر اینکه خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر کرده باشد) بجای ماده سوم و ماده دوم بجای ماده دوم باشد چه بطوریکه در خود قانون اشعار شده اول بایستی قانون منتشر و باطلاع عموم برسد و بعداً لازم الاجرا گردد و بخلاصه لازم الاجرا شدن قانون در مرتبه متأخره از انتشار آنست و تناسب ماده سوم با ماده اول هم ایجاد تعاقب آنها را داشت و اگر در ماده اول بعد از کلمه (ملوکانه) جمله (بوسیله روزنامه رسمی) اضافه شده بود منظور مقنن تأمین و احتیاج بماده سوم نبود.

بهر حال مفهوم از ماده دوم این است که زمان شروع باجراه قانون در نقاط مختلفه کشور متفاوت است و در تمام کشور در یک زمان لازم الاجرا نیست ولی بطور متعجز و صریح و غیرقابل تردیدی منظور مقنن از این ماده و جمله (لازم الاجراست) معلوم و مشخص نیست و ممکن است مقنن را یکی از وجوه زیر ناظر دانست و هروجعی یانوعی از قوانین متناسب تر از وجه دیگر بنظر میرسد.

۱ - منظور مقنن این بوده که قانون پس از ده روز از تاریخ انتشار در تهران و باضافه یکروز برای هرشش فرسخ در سایر نقاط حتماً بایستی اجرا شود و لازم العمل خواهد بود نه آنکه قبل از ده روز بهیچ وجه قانونیت نداشته و قابل اجرا نیست .

مثلاً اگر از جهة آنکه وسیله حقیقی و قانونی برای تملک اراضی موات چنانچه در شرح ماده ۱۴۰ بیان شد فقط احیاء است قانونی وضع شود که بموجب آن کلیه اسناد

۱ - با اینکه قانون ثبت صریحاً مالکین را مکلف نموده که املاک خود را به ثبت برسانند و لازمه آن این است که اولاً ملکیت صادق باشد و در مرتبه متأخره نسبت بآن تقاضای ثبت بعمل آید تا دولت کسی را که ملک بنام او در دفتر املاک با تشریفات قانونی ثبت شده مالک رسمی آن بشناسد نه اراضی موات که قبل از احیاء خروج موضوعی داشته و اصلاً ملک نیست و مالکی نمیتواند داشته باشد و قانون ثبت فقط دفتر املاک را پیش بینی و مقرر داشته و در قانون دفتری بعنوان دفتر موات دیده نمیشود که اراضی موات در آن بعنوان ملک اختصاصی ثبت شود و اگر نسبت بخانه و باغ و مزرعه تقاضای ثبت نشود باز رقبات مزبور ملک و مملوک است و لو دولت مالک رسمی آنرا بشناسد و آنرا از نقطه نظر قانون ثبت مجهول المالک اعلان کند و با این وصف در صورتیکه عدواناً تصرف شود دعوی تصرف عدوانی و رفع مزاحمت نسبت بآن در مراجع رسمی پذیرفته و مورد رسیدگی و حکم خلع ید واقع خواهد شد در صورتیکه اگر زمین مواتی سند مالکیت نداشته باشد اصلاً توهمی هم برای مملوکیست آن نمیشود تا مالکی برای آن فرض گردد و دیده نشده زمین مواتی در اثر عدم تقاضای ثبت در مهلت قانونی مجهول المالک اعلان گردد یا دعوی تصرف عدوانی نسبت بآن پذیرفته شود

بنابراین ظاهر است که اداره ثبت که فقط صلاحیت تقاضای ثبت مملوک اشخاص را دارد در پذیرفتن تقاضای ثبت موات بدون مجوز قانونی و بامتنع صریح ماده ۴۱ آیین نامه برخلاف صلاحیت خود عمل نموده و منحرف از مقررات و متصرفات قانون شده و چنین اسنادی ارزش قانونی نداشته و محکوم به بطلان خواهد بود .

بقیه پاورقی در ذیل صفحه ۱۲۱

اصلاح قوانین

مالکیت که نسبت باراضی موات تا کنون صادر شده باطل گردد یا قانونی برای تقسیم املاک وضع و تصویب شود و این قانون در اول اسفند منتشر گردد پس از ده روز از تاریخ در تهران و با فرض اینکه مساحت قم تا تهران ۲۴ فرسخ است پس از چهارده روز در قم حتماً بایستی قانون بموقع اجرا گذاشته و اقدام بابطال اسناد مالکیت اراضی موات و تقسیم املاک گردد نه اینکه قبل از انقضای ده روز در تهران و با اضافه یکروز برای هر شش فرسخ در سایر نقاط اگر اقدام بابطال اسناد مالکیت اراضی موات یا تقسیم املاک گردد برخلاف قانون باشد .

و بعبارت دیگر منظور ماده این بوده که حد اعلی فرصت و مهلتی که برای اجراء قانون بتوان قائل شد در تهران تازه روز از تاریخ انتشار و در سایر جاها با اضافه یکروز برای هر شش فرسخ است و بیش از این نمیتوان در اجراء قانون تأخیر نمود این وجه نسبت بقوانینیکه برای دولت و متصدیان مشاغل رسمی و وابسته بدولت ایجاد تکلیف میکند و همچنین نسبت بقوانینی که موجب ازدیاد اختیار و رفع محدودیت افراد باشد مثل اینکه قانونی در اول اسفند منتشر شود که بموجب آن صغیریکه کمتر از ده سال ندارد میتواند نسبت باموال خود وصیت نماید و در روز دوم اسفند صغیر ده ساله وصیتی کند که ثلث اموال او را بمصرف بیمارستانی برساند خالی از وجه نیست و در اینصورت وصیت صحیح و لازم العمل خواهد بود و خلاصه ماده ۲ مقرر داشته قانون پس از ده روز از تاریخ انتشار لازم الاجراست و مقرر نداشته قبل از ده روز قانونیت نداشته و قابل اجرا نیست تا چنانچه قبل از ده روز سند مالکیت مواتی ابطال یا سلکی تقسیم شود برخلاف قانون باشد و سند مالکیت باطل شده بوضعیت سابق باقی و تقسیم یا وصیت باطل و کان لم یکن تلقی گردد .

۲ - نظر مقنن این بوده که توشیح ملوکانه و انتشار در روزنامه و انقضای ده روز از تاریخ انتشار برای لازم الاجرا شدن قانون نظیر شرط متأخر است یعنی اجراء قانون متوقف است و پس از انجام امور مزبوره قانون از تاریخ تصویب ملوک و منشاء اثر خواهد بود فرض شود قانونیکه در اول اسفند تصویب میشود بر پیش آمدگیهای عمارتها به نسبتیکه از خیابانها اشغال نموده مالیات ماهیانه مقرر دارد و در سوم اسفند بصرحه ملوکانه رسیده و در پنجم اسفند منتشر شود پس از ده روز از تاریخ تصویب قانون یعنی از اول اسفند تعلق گرفته و بایستی وصول شود و بخلایف توشیح و انقضای ده روز از تاریخ انتشار نظیر اجازه معامله فضولی است که معامله را از تاریخ انجام منشاء اثر قرار میدهد .

جای تعجب و تأسف است با اینکه قانون حاضر نشده دعوی زائد بر پانصد ریال را باستاناد سوگند و گواهی گواهان موثق و معروف ثابت بدانند اداره ثبت برخلاف قوانین موجد حق و بامنع صریحی که در قانون شده ملیونها زمین موات جامعه را باستاناد گواهی نامه گواهان مجهول الهویه و معمول که پشت مسجد شاه بوسیله مهر کتها تهیه شده ملوک دانسته و تقاضای ثبت آنرا پذیرفته و سند مالکیت صادر نموده است ؟ آیا چنین اسنادی محکوم به بطلان نیست

۱ - فقهاء وصیت صغیر ده ساله را باستاناد اخبار صریحی نافذ و لازم العمل دانسته اند

۳ - نظر مقنن این بوده که انتشار قانون و انقضای مدت مزبور شرط یا ازارکان قانونیت قانون باشد و بعبارت دیگر پس از انتشار قانون در روزنامه رسمی و انقضای ده روز از تاریخ انتشار در تهران و باضافه یکروز برای هرشش فرسخ در سایر جاها قانونیت برای قانون حاصل و منشاء اثر و قابل استناد میگردد و قبل از آن اصلاً قانونیت نداشته و موجب هیچ حکم و تکلیفی نبوده و منشاء اثری نمیتواند باشد مثلاً اگر قانونی وضع شود که بموجب آن رشد قانونی بیست سال بشود و در روز اول اسفند در تهران منتشر و سه روز پس از انتشار آن شخص نوزده ساله در تهران ملک خود را بفروشد یا قانونی وضع شود که بموجب آن سهم الارث دختر و پسر نسبت بحقوق و مزایای خدمت مورث یا حق الاكتشاف و حق الاختراع و سرقفلی و امثال آنها مساوی گردد و در روز اول اسفند در تهران منتشر و در روز یازدهم در قم شخصی فوت کند معامله صحیح و سهم الارث پسر و دختر نسبت بحقوق مزبوره مورث مطابق قانون سابق متفاوت خواهد بود نه مساوی چه فرض این است که قانون پس از انقضای مدت مقرر قانونیت پیدا کرده و ایجاد تکلیف و حق میکند و برای دختر از جهة عدم انقضای مدت ایجاد حق تساوی با پسر نشده بوده است و فروشنده فاقد اهلیت در موقع معامله نبوده است و این وجه نسبت بقوانینیکه ایجاد تکلیف یا حق مینماید یا سالب حق است خالی از وجه نیست و در این فرض ایرادات زیر دارد و غیر قابل حل بنظر میرسد.

۱ - نسبت بنقاطیکه دو راه معمولی تا تهران دارد که یکی از آنها نزدیک تر و دیگری دورتر است مثل کرمانشاه اضافه یکروز برای هرشش فرسخ نسبت بکدام یک از راههای متعدد احتساب خواهد شد اگر جمله (از نزدیکترین راه) بعد از کلمه (مسافت) در ماده اضافه شده بود یا مسیر پست مملکت قرار داده شده بود اختلاف نظری پیش آمدن میکرد.

۲ - بسیاری از قوانین است از قبیل احوال شخصیه که نسب به ایرانیهای مقیم کشورهای خارج هم لازم الرعایه و منشاء اثر و مملکت عمل خواهد بود بنابراین اگر قانونی وضع شود که رشد قانونی برای ازدواج تا بیست سال یا نوه سهم الارث پدر را از بعضی از انواع ترک که جد (از قبیل حق الاختراع و حق الاكتشاف و سرقفلی) میبرد این قانون برای ایرانی که در کشور امریکا اقامت دارد چه وقت قانونیت پیدا کرده و لازم الاجرا خواهد بود و بالاخره رعایت مسافت بیچه نحو خواهد شد.^۲

۱ - کوشش شده است امثله که بمنظور توضیح مطالب بیان میشود اغلب جنبه پیشنهادی برای تصویب نیز داشته باشد مثلاً چون در این عصر علاوه بر آنچه سابق مال و دارائی محسوب بوده موضوعات جدیدی وجود دارد که سرمایه و جزء دارائی بلکه عمده دارائی اشخاص محسوب شده لذا با در نظر گرفتن مصالح اجتماعی مانعی ندارد که سهم الارث دختر و پسر نسبت باینگونه اموال که از اموال و تقریرات شرعیه بشمار نمیرود مساوی گردد بعضی از آنها مثل حقوق خدمت مورث و حق الاختراع و... به بعضی از وراثت از قبیل زوجه و پسر تحصیل و دختر صغیر و شوهر نکرده اختصاص داده شود و کبار از ورثه ذی سهم نباشند

۲ - ظاهر عبارت ماده شمر است مقنن به لازم الاجرا شدن قانون در خارج از کشور توجهی نداشته است.

اصلاح قوانین

۳ - نسبت باشخاص متعدد که در نقاط مختلف کشور سکونت دارند که از حیث مسافت تا تهران متفاوت است نسبت بیک موضوع که فرض ثالثی ندارد و از قانون بچه نحو استفاده خواهند نمود قانون بچه کیفیت و درجه زمان نسبت بآنها لازم اجرا خواهد شد فرض شود سهم الارث پسر و دختر بموجب قانونیکه در اول اسفند انتشار یابد نسبت بحقوق مالی خاصی مساوی گردد و در روز دوازدهم از تاریخ انتشار آن در تهران شخصی فوت کند که یک دختر در تهران و یک پسر در کرمان دارد آیا سهم الارث دختری که در تهران بوده است و قانون نسبت باو لازم اجرا و ملاک عمل شده و بعبارت دیگری برای او ایجاد حق نموده باپسریکه در کرمان است و هنوز قانون نسبت باو قانونیت نداشته و لازم اجرا منشاء اثر نگردیده مساوی خواهد بود یا متفاوت و مستند قانونی برای اثبات یانفی چیست.

۴ - باتوجه بعبارت ماده و جملات (در تهران) و (در ولایات) اگر قانونی وضع شود که رشد قانونی برای معاملات و ازدواج اثاث بیست سال گردد و دختر هیجده ساله پس از دوازده روز از تاریخ انتشار قانون از تهران بکرمان برود آیا میتواند در آنجا ازدواج نماید یا نه و اگر خانه تهران خود را در کرمان بفروشد معامله صحیح است یا باطل.

تصریح قانون بموقع اجرا

ترتیب متخذ در این ماده برای اجرای قوانین مانع از آن نیست که در خود قانون برای لازم اجرا شدن قانون ترتیب و رویه دیگری اتخاذ شود مثل اینکه مقرر گردد پس از تصویب بلافاصله اجرا گردد چه فقط قانون اساسی میتوانسته حدود اختیارات قانون گذاری مقنن عادی را محدود نماید قانون مدنی و قسمت اخیر ماده هم برای جلوگیری از این توهم مقرر داشته مگر اینکه خود قانون ترتیب خاصی مقرر کرده باشد.

و بخلاصه مقنن در این ماده این نظر را نداشته که مقنن بعد از در قانون گذاری محدود نماید که نتواند لازم اجرا شدن قانون را بغیر ترتیب مقرر در ماده مقرر دارند بلکه نظر به مجریان قانون داشته و تکلیف مجریان قانون را معین نموده که در صورتیکه در خود قانون ترتیب خاصی برای اجرای قانون اتخاذ نشده باشد قانون را با رعایت مدلول این ماده منشاء اثر قرار دهند.

تذکره

گرچه مقنن عادی میتواند در خود قانون یا بموجب قانون دیگری برای موقع لازم اجرا شدن ترتیب دیگری مقرر دارند ولی نمیتوانند مقرر دارند قانون بدون توشیح ملوکانه بموقع اجرا گذاشته شود چه توشیح ملوکانه بر طبق قانون اساسی مقرر گردیده و مقنن عادی نمیتواند برخلاف مقررات قانون اساسی تصمیمی اتخاذ نمایند.

بنابراین در مواردیکه در خود قانون مقرر شده باشد پس از تصویب بلافاصله قابل اجراست اگر قبل از توشیح ملوکانه اجرا شود چون بدون رعایت قانون اساسی عمل شده قانونی و معتبر نخواهد بود و بالتیجه در مواردی که در خود قانون بلافاصله قابل

اجرا بودن آن تصریح شده باشد پس از توشیح ملوکانه بلافاصله قابل اجرا است نه قبل از آن.

وسیله انتشار قانون

پس از آنکه ماده ۲۰۱ انتشار قانون را برای استحضار عموم لازم دانست ماده ۳ در مقام تعیین وسیله انتشار و کیفیت آن بر آمده و مقرر داشته است (انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی بعمل آید).

بدیهی است وسیله انتشار قانون متخذ در این ماده تناسب با زمان وضع و تصویب قانون مدنی داشته و مربوط بعصریست که وسیله اطلاع عموم از قانون منحصر بروزنامه و مطبوعات بوده است و متناسب با این عصر این است که مقرر گردد قانون پس از ده روز از تاریخ انتشار و پخش و بوسیله رادیو در تمام نقاط لازم الاجرا خواهد بود چه پخش در رادیو در معرض این است که تمام کشور دفعتاً از آن مستحضر گردند و در اینصورت بسیاری از مشکلات حل و اشکالات و ایرادات مزبور مرتفع خواهد گردید و پخش و انتشار بوسیله رادیو منحصر بمورد این ماده نیست بلکه متناسب با این عصر این است که در کلیه مواردیکه انتشار در مطبوعات منشاء اثر قانونی بوده است از قبیل مورد ماده ۱۰۲۳ و ... مقرر گردد بوسیله رادیو هم منتشر گردد و از تاریخ پخش و انتشار بوسیله رادیو مدت‌های مقرر احتساب و اثرهای قانونی مترتب شود.